



گفت‌وگو با متیو چاپمن نتیجه چارلز داروین اگر داروین زنده بود!

ترجمه: محمدرضا خوش‌بین خوش‌نظر

درباره متیو چاپمن^۱

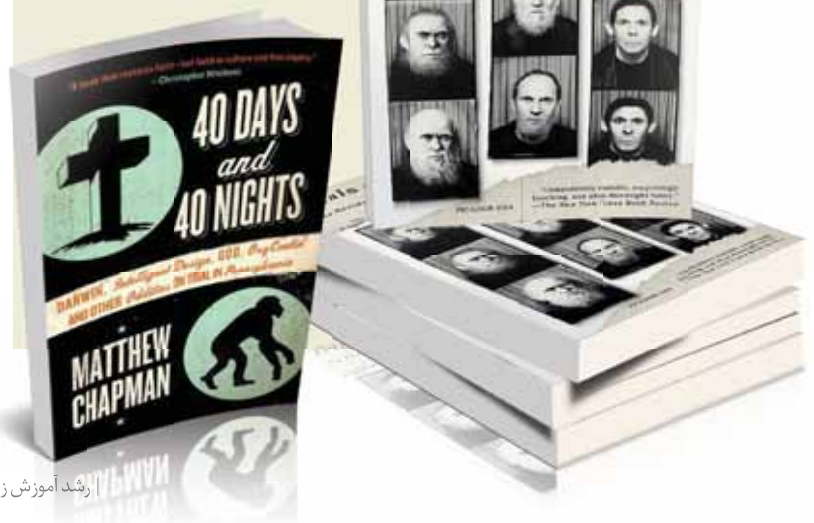
متیو چاپمن نویسنده، فیلم‌نامه‌نویس، کارگردان و کوشنده علم در ۱۹۵۰ در انگلستان به دنیا آمد، ولی از سال ۱۹۸۲ مقیم ایالات متحده شد. مادر متیو حاصل ازدواج فیلسوف برجسته فرانسیس کانفورد^۲ و فرانسیس داروین^۳ دختر چارلز داروین است که پیشه شاعری داشت. پدر متیو نیز فرزند فیزیکدان و منجمی برجسته به نام سیدنی چاپمن^۴ بود که از نخستین پژوهندگان در زمینه چپستی سرشت لایه اوزن به‌شمار می‌رود.

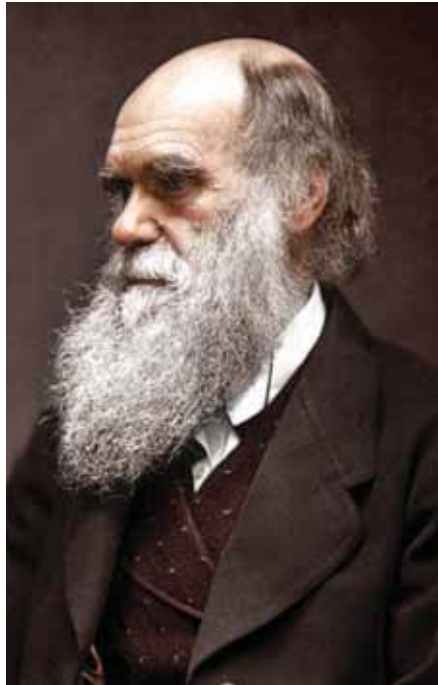
متیو چاپمن تا امروز همواره یک پای منازعاتی بوده که در کشوری سنت‌گرا و با اندیشه‌های محافظه‌کارانه چون آمریکا، بین طرفداران نظریه خلقت‌گرایی و هواداران نظریه تکامل موجود است. یکی از مشهورترین این منازعه‌ها واقعه‌ای بود که در آن ۱۱ تن از والدین دانش‌آموزان کلاس نهم مدرسه‌ای در یک منطقه ایالتی در ایالات متحده علیه تدریس نظریه تکامل به فرزندانشان اقامه دعوی کردند و از قضا موفق نیز شدند.^۵ چاپمن علاوه بر نویسندگی و کارگردانی ده فیلم^۶، نویسنده دو کتاب نیز هست.^۷

متیو همچنین در سال ۲۰۰۸ مرکز منازعات علمی^۸ را بنا نهاد که هم‌اکنون بسیاری از اساتید دانشگاه، نویسندگان شهیر، و برندگان جایزه نوبل پشتیبان آن هستند. این گفت‌وگو ترجمه مصاحبه‌ای است که کریس مونی^۹ در سالروز تولد چارلز داروین با نتیجه‌اش متیو چاپمن انجام داده است.^{۱۰}

■ دیدگاه خاندان شما در مورد میراث داروین - که همواره همراه و ملازم آن‌ها بوده است - چیست؟ آیا این میراث هیچ‌گاه اسباب شوخی شما شده است؟

به اعتقاد من، برخی از اعضای خاندان همواره در سایه داروین زیسته‌ایم. سخت است که این‌طور نباشد، اما با گذشت زمان موضوع ساده‌تر می‌شود. وقتی من جوان بودم، هیچ کدام‌شان به آن ترتیبی که من اکنون انجام می‌دهم، این موضوع را دست نمی‌انداخت. برخی، از جمله مادر من، فکر می‌کردند زیستن در سایه این نام بسیار مهم است و غفلت از آن، امری ناپسند است. در طی این سال‌ها خویشاوندان دیگری نیز بوده‌اند - نمی‌خواهم نام ببرم - که به‌نظم بیش از حد به این موضوع بالیده‌اند. من همیشه این خویشاوندی را با گفتن این جمله دست انداخته‌ام که من بهترین دلیل در تأیید نظریه طرفداران خلقت‌گرایی هستم، چرا که اگر به شجره‌نامه خانوادگی من نگاه کنید، داروین در یک سر آن و من در سر دیگر آن هستم، که این به خودی خود نظریه تکامل را نقض می‌کند! وقتی من به عکس پرنسس چارلز نگاه می‌کنم، همواره او را با لبخندی تلخ و اندکی مغموم می‌یابم، گویی دارد به خود می‌گوید: «همه‌چیز به غایت تام و کمال است، اما این صرفاً برحسب





اگر داروین
زنده بود،
یقیناً از برخی
نگرش‌های
ماندوهگین
می‌شد

و به همین ترتیب هیچ کدام از مجریان جلسه نیز هیچ پرسشی در مورد علمی که در پس مسائل بهداشتی و پزشکی است، مطرح نکرد. هیچ پرسش مهمی در مورد رابطه بین آموزش و علوم، رابطه بین علوم و گسترش فناوری و درباره پایبندی صادقانه دولت به علوم مطرح نشد.

به گمان من، این‌ها مواردی اساسی بودند که آینده ما را معین می‌کرد. البته اینکه سیاستمداران در مورد آن‌ها بحث نمی‌کردند، قابل فهم بود، چرا که این‌ها خبرهای واقعا بدی برای رأی‌دهندگان آمریکایی بود و از این رو آن‌ها نمی‌خواستند سخنی از چنین مسائلی به میان آید. ولی برای من واقعا عجیب بود که با اینکه نیمی از رشد اقتصاد آمریکا در دهه ۱۹۵۰ میلادی مرهون علوم بوده است، چرا با این حال هیچ بخشی از مناظره‌ها به خط مشی علوم و فناوری اختصاص نداشت. همان‌جا بود که اندیشیدم علم به خودی خود آنقدر مهم است که شایستگی آن را دارد که مناظره‌هایی صرفاً به خود آن اختصاص یابد؛ من همچنان بر این باورم؛ و به اعتقاد من داروین اکنون سربلند شده است. چرا که او آمل و مقاصد سیاسی داشت (او یکی از مبارزین الغای برده‌داری بود)، و اگر زنده بود، یقیناً از برخی نگرش‌های ما به

اتفاق و از سر حادثه زایش بوده است.» او درست می‌اندیشد و این همان حسی است که من هم دارم، با این تفاوت که من، هیچ کلاهی از این نمد برای خودم نساخته‌ام.

■ چه حسی دارید وقتی به یک اسکناس ۱۰ پوندی نگاه می‌کنید؟ آیا به همین دلیل بود که انگلستان را ترک کردید؟

تا زمانی که من انگلستان را در سال ۱۹۸۲ ترک کردم هنوز خبری از اسکناس‌های ۱۰ پوندی نبود. برخی اوقات مردم از من می‌خواهند نسخه‌ای از کتاب خاستگاه گونه‌ها را برایشان امضا کنم و من البته با اندکی اکراه و ناخرسندی این کار را انجام می‌دهم. ولی حاضرم در ازای گرفتن ۱۰ پوند، یک اسکناس ۱۰ پوندی را با کمال میل امضا کنم!

■ می‌توانید بگویید نخستین بار چگونه اندیشه تاسیس مرکز مناظرات علمی به ذهن تان خطور کرد؟ آیا به گمان شما اکنون داروین مخترع و سربلند شده است؟ من هم مثل خیلی‌ها می‌دانستم که بحران‌های زیست‌محیطی فراوانی رخ داده است و علم جزئی لاینفک از راه‌حل رفع این معضلات است. وقتی من ۱۵ مناظره نخست را تماشا کردم، دریافتم هیچ پرسشی راجع به این مسائل طرح نشد و یا اگر مطرح شد، بسیار ناچیز بود.

نیمی از رشد
اقتصاد آمریکا
در دهه ۱۹۵۰
میلادی مرهون
علوم بوده است



دانشمندان
معمولاً به صورت
آدم‌های خُل
و چل به
تصویر کشیده
می‌شوند

بپوشند، پول بیشتری در بیاورند، تفریحات و شیطنت‌های بیشتری بکنند، روابط اجتماعی بهتری داشته باشند و در کارهای عام‌المنفعه بیشتر شرکت کنند و بعد پاداش خود را از این تشریک مساعی دریافت دارند.

■ آیا هیچ پروژه‌ای در هالیوود در دست تهیه است که علم نیز در آن دخیل باشد؟
بله، چند پروژه هست، ولی من نمی‌خواهم به تراج بروم!

■ جشن ۱۲ فوریه^{۱۲} را می‌خواهید چگونه بگذرانید؟

با همسر و دخترم ناهاری می‌خوریم. دخترم، ندیده‌ی داروین محسوب می‌شود. شاید شما چیزی را جمع‌به مفهوم «برگشت به مقدار میانگین»^{۱۳} شنیده باشید. ایده آن، از آن من است. دخترم دارد نشانه‌هایی از برگشت به شجره‌نامه خانوادگی‌مان را نشان می‌دهد.^{۱۴}

علوم، به آموزش علوم، و مسائل زیست‌محیطی که به دست خودمان ایجاد شده است، مغموم و اندوهگین می‌شد.

■ باید چه کار کنیم تا علم به جایگاه واقعی خود بازگردد و کسی مثل داروین به جای اینکه مورد دشنام قرار گیرد و پایش به منازعات فرهنگی کشیده شود، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان تاریخ ستوده شود؟

– تقریباً مطمئنم که این پرسشی است که به آموزش و تعلیم و تربیت مربوط می‌شود و من شاید بهترین شخص برای پاسخ دادن به آن نباشم. ولی، از طرفی، این پرسش مربوط به فرهنگ نیز هست. تقریباً شده است که همه ما در زمانی قرصی خورده‌ایم که زندگی ما را نجات بخشیده یا از دردها و آلام جسمی یا روانی‌مان کاسته است. این فقط یک مثال از یکی از جنبه‌های زندگی است که عموم مردم به‌خاطر آن قدردان و سپاسگزار علم هستند؛ با این همه، دانشمندان معمولاً به‌صورت آدم‌های خُل و چلی با موهای پریشان به تصویر کشیده می‌شوند. چرا این‌طور است؟ چه بسیار دانشمندان جذاب و شگرفی که در دور و بر ما هستند ولی به هر دلیلی در بین مردم شناخته نشده‌اند. من در جایی دیگر گفته‌ام که دانشمندان باید لباس‌های بهتری

* پی‌نوشت‌ها

1. Matthew H.D. Chapman
2. Francis Conford
3. Frances Darwin
4. Sydney Chapman
۵. برای اطلاع بیشتر درباره این رویداد به مجله رشد آموزش زیست‌شناسی شماره ۶۱ (زمستان ۱۳۸۴) مراجعه کنید.
6.
 - Hussy (1980) (screenplay, director)
 - Strangers kiss (1983) (screenplay, director)
 - Slow Burn (1986) (screenplay, director)
 - Heart of Midnight (1988) (screenplay, director)
 - A Grande Arte Arte (1991) (additional dialogue) (screenplay: English version)
 - Consenting Adults (1992) (screenplay)
 - Color of Night (1994) (screenplay)
 - What's the Worst That Could Happen? (2001) (screenplay)
 - Runaway Jury (2003) (screenplay)
 - Black Water Transit (2009) (screenplay)
 - The Ledge (2011) (screenplay, director)
7.
 - Trials of the Monkey: An Accidental Memoir (Picador, 5 July 2002) ISBN 0_312_30078_6
 - 40 Days and 40 Nights: Darwin, Intelligent Design, God, OxyContin, and Other Oddities on Trial in Pennsylvania. (Harper Collins, 10, April 2007) ISBN 0_06_117945_0
8. Science Debates
9. Chris Mooney
10. Science progress. org/2009/02/darwins _ dangerous _ descendent
۱۱. پشت اسکناس‌های ۱۰ پوندی انگلستان عکسی از چارلز داروین چاپ شده است. علت آن‌جا را چایمن از این عکس را در ستور بعدی خواهید خواند – م.
۱۲. سالروز تولد چارلز داروین – م.
13. Regressing toward the mean
۱۴. دختر چایمن نام بلند زیر را برگزیده است و همان باورهای اعتقادی جدش را دارد:

Anna Bella Charles Darwin Teixeira Chapman